

فصلنامه علمی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری

سال ۱۰، شماره پیاپی ۳۹، زمستان ۱۳۹۸

شاپا چاپی: ۲۲۲۸-۵۲۲۹ - شاپا الکترونیکی: ۳۸۴۵-۲۴۷۶

<http://jupm.miau.ac.ir>

مقاله پژوهشی

تبعات تقلیل برنامه‌ریزی شهری به نقشه‌ی طرح تفصیلی در شهر شیراز^۱

سجاد احمدی^۲: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه خوارزمی تهران، ایران و

کارشناس برنامه‌ریزی شهری شهرداری شیراز، ایران

علی موحد: دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

علی شمعی: دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۳۰

صص ۱۱۶-۱۰۳

دریافت: ۱۳۹۷/۲/۳۰

چکیده

در این پژوهش فضا بسان ظرفی خنثی و فاقد تأثیر درک نمی‌شود، بلکه فضا به‌سان محتوایی آگاهی‌بخش به انسان‌ها فهم شده است. مسئله پژوهش رمزگشایی سازوکارهای موثر بر شکل‌گیری فضای انتزاعی؛ یعنی تقلیل برنامه‌ریزی شهری به نقشه کاربری زمین (شهرسازی) و تولید فضاهای طبقاتی و به‌تبع آن شکل‌های مختلف آگاهی در شیراز است. جریان‌هایی که درک آن‌ها به‌آسانی حاصل نمی‌شود و نیاز به موشکافی دقیق و مبتنی بر تفکر انضمامی دارد. تجربه فضا جدا از متن نیست، بلکه حاکی از قلمروی نظری و درواقع ارتباط «کیفیت ایده‌آلیسم» و «کیفیت زندگی» دارد. نتایج پژوهش حاکی از تقلیل برنامه‌ریزی به نقشه کاربری زمین و به معنای واقعی آن فقدان برنامه‌ریزی شهری در شیراز است، نقشه‌ای که تحقق آن زیر فشار سرمایه‌دار، سرکوب علوم انسانی توسط تکنوکرات‌ها، سلطه بوروکرات‌ها بر جامعه‌مدنی، فقدان کد مالیاتی و ... با تولید فرم شهری «طبقاتی و بی-قواره»، کارکرد «مصرف‌گرای سوژه‌ساز» و گسست ساختاری «تعاملات اجتماعی و تعمق» در شیراز همراه بوده است. بنابراین منظور از فضای انتزاعی حاکم بر طرح تفصیلی در این پژوهش، فقدان برنامه‌ریزی در شهرهای کشور و متعین‌شدن نوعی کدگذاری «برای افراد دارای زمین و خانه» به‌نام «برنامه‌ریزی» است. در صورتی که با اندیشه انضمامی می‌توان گفت که ارزش‌گذاری اراضی و زوال فضاهای کهن برنامه‌ریزی نیست، بلکه ابزار بازساخت فضا و به‌تبع آن کسب ارزش توسط ذی‌نفوذان است. از ۴۷۷۹۱۶ خانوار شهر شیراز تا سال ۱۳۹۵، بیش از ۴۵٪ در خانه‌های اجاره‌ای سکونت داشته‌اند. خانوارهایی که با افزایش حدود ۱۰۰٪ قیمت مسکن در پی تورم سال ۱۳۹۷، به شدت متضرر و امیدهای آن‌ها برای خانه‌دار شدن بر باد رفت.

واژگان کلیدی: نقشه و رانت، اجاره‌نشینی و جرم، فقر در فرایند تولید شهر، فضای انتزاعی.

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری سجاد احمدی در دانشگاه خوارزمی تهران، با عنوان «تبیین فضای انتزاعی در طرح‌های توسعه شهری (مورد: طرح تفصیلی شیراز)» است.

^۲ نویسنده مسئول: sajad.ahmadi@ut.ac.ir، ۰۹۳۰۶۳۳۹۳۶۰

مقدمه:

فضا در شورایی‌عالی شهرسازی و معماری ایران (۲۰۱۰)، به‌سان ظرفی «انتزاعی و مطلق» و نه‌پدیداری «تاریخی-جغرافیایی» تعریف و ابلاغ شده است. در واقع برنامه‌ریزی نه مسئله محور، بلکه کارکردگرایانه و ابزاری فهم گردیده است. درحالی‌که با وجود کنشگران بسیار و روابط پیچیده بین آنها، نمی‌توان بر چنین تعبیری از برنامه‌ریزی تکیه نمود. بنابراین برنامه‌ریزی شهری بدون توجه به ساختار و کارکرد گوناگون شهرها، به نقشه طرح تفصیلی تقلیل یافته است. طرح به اصطلاح تفصیلی مبنای اصلی برنامه‌ریزی در شهرهای کشور در راستای جاودانه‌سازی آرمان‌های انتزاعی «جامعه‌مهندسی مشاور» است. شهرساز شهر را چون چارچوبی آهنین در نظر و زمین را با کدهای گوناگون «پهنه‌بندی» و به عبارتی «ارزش‌گذاری» می‌کند. در صورتی که به دلیل فهم انتزاعی فضا، فاقد توانایی در جهت‌دهی مقیاس برنامه‌ریزی به سمت زندگی افراد و منجر به مسائل فعلی شهرها در کلیت شیوه ارتزاق مبتنی بر شهرنشینی (Rahnamayi, 2009: 45) می‌شوند. ساده‌نگاری مسئله عظیم «توسعه شهر» به نقشه رنگ‌بندی، کدگذاری، تراکم، سطح اشغال، تعریض معابر و ... و غفلت از سیاست‌گذاری در زمینه‌های دانش نظری، جامعه مدنی، مالیات، مسکن، انرژی، بانکداری و ... باعث مبدل شدن طرح تفصیلی به ابزار انباشت رانت، با مطیع‌سازی متقابل تهیه‌کنندگان، تأییدکنندگان، تصویب‌کنندگان، ابلاغ‌کنندگان و اجراکنندگان طرح و تولید مسائلی چون خانه‌های خالی، اجاره‌نشینی، بزهکاری، آلودگی و ... در محل سکونت ۷۴٪ جمعیت شهرنشین کشور شده است. نقشه ابلاغی طرح تفصیلی در شهرهای کشور، نتیجه سال‌ها فشار رانت‌خواران بر بوروکرات‌ها و سلطه تکنوکرات‌ها بر نخبگان و جامعه مدنی است. در چنین شرایطی باید گفت که اتفاقاً برخلاف پژوهش‌های انتزاعی، طرح‌های تفصیلی محقق می‌گردند. به طوری که شهرداری شیراز نقشه کدبندی و پهنه‌بندی را در متن انتزاع کمیسیون ماده ۵ اجرا و در واقع نقشه طرح تفصیلی با ارزش‌گذاری اراضی شیراز، برای این شهر تاریخ می‌شود. فقط تبعات ناشی از محقق شدن طرح تفصیلی، تکنوکرات‌ها را به درکی سطحی از محقق نشدن این طرح سوق می‌دهد. مهندسی مشاور تهیه‌کننده طرح تفصیلی شیراز، با پیش کشیدن بحث‌های مرتبط با محقق نشدن این طرح، از زیر بار مسؤلیت‌هایشان شانه خالی می‌کنند. در صورتی که رونق شهرک‌های بازساختی «معالی‌آباد، فرهنگ شهر...» و زوال «بافت مرکزی شیراز»، نتیجه منطق نقشه کاربری ترکیبی در تضاد با نتایج سوئز کنیوسم پژوهش (Farjam, 2014: 277) است.

هدف پژوهش تحلیل تبعات تقلیل طرح ساختاری-راهبردی شیراز به نقشه (۲۰۰۹) توسط جامعه مهندسی مشاور، برعکس برنامه‌ریزی متن‌محور «موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران» در طرح جامع اول این شهر (۱۹۷۳)، است. طرح جامع اول شیراز با تثبیت ۱۶۵۵ هکتار، یعنی ۲۰٪ مساحت شهر به خدمات تفریحی، کارکرد پایدار گردشگری را در شیراز نهادینه کرد. در صورتی که طرح تفصیلی نقشه‌ای (شهرسازی) سوم شیراز (۲۰۱۶)، با تثبیت حداقل ۲۵٪ مساحت شهر به «گذر و معبر»، کنش‌های ناپایدار خودرو را برای شیراز به ارمغان آورد. پس همه قصه شهر مدرنیسم (habibi, 1977) نیست. فاکتور بنیادی در تحلیل مسائل شیراز آگاهی از چگونگی فرایند تولید این شهر است. چراکه شیراز امروزی «به خودی خود» وجود نداشته است، بلکه در متن تاریخ آگاهی تاریخی سوژه و جهان وجودی افراد تولید شده است. مساحت شیراز از ۱۰۰۰۰ هکتار در طرح جامع ۱۳۵۱، به ۱۴۶۱۹ هکتار در طرح جامع ۱۳۶۸ و ۱۹۳۳۲ هکتار در طرح به‌اصطلاح ساختاری-راهبردی ۱۳۸۸ (۲۰۰۹)، افزایش یافت. با شناخت و آگاهی از چگونگی تولید فضا در شیراز می‌توان به ریشه مسائلی چون فقر، بی‌خانمانی، جرایم، مهاجرت، طرد اجتماعی، اعتیاد و ... پی برد. در واقع آغازگاه شناخت فضای شیراز در این پژوهش ایده‌آلیسم محض نیست، بلکه روال‌ها و جریان‌هایی است که منجر به مفهوم‌پردازی و فهم فضای معقول حاکم می‌گردد. در فرایند تولید فضا در شیراز، چه افراد و گروه‌هایی اراضی باارزش این شهر را تصاحب و به تبع آن اجاره‌نشینی بیش از ۴۵٪ خانوار این شهر را در فقدان نظارت مدنی، مالیات بر مستغلات و ... سبب شدند.

مبانی نظری:

در راستای تبیین سازوکارهای مؤثر بر تولید حدود ۱۹۰۰ هکتار فضا در شیراز در طی ۹۰ سال، نسبت به مساحت حدود ۳۰۰ هکتاری این شهر در حدود ۱۳۰۰ سال، از نظریه تولید فضای لوفور (۱۹۷۴)، استفاده شده است. لوفور با نقد رویکردهای مطلق و ساختارگرایه، درصدد استعلا‌ی آموزه‌های هگل و مارکس به سمت جهان نیچه‌ای بود. از نظر وی تحلیل مبتنی بر سرمایه‌داری، باعث نادیده‌انگاشتن دانش تاریخی و آگاهی فردی سرزمین‌ها می‌گردد. به‌زعم شکویی (۱۳۷۸)، فضای جغرافیایی، فضای منحصر به فرد برای فرهنگ خاص می‌باشد. فضای انسان‌زده‌ای است که تجربیات فرهنگ‌های خاصی از زندگی را به نمایش می‌گذارد. از نظر لوفور (۱۹۷۴)، نقطه عطف تاریخ فضا را نباید در «توصیف‌های جغرافیایی» از فضای طبیعی، بلکه از طریق کنش‌های انسانی، به‌خصوص کنش‌های مرتبط با کار یافت. تاریخ فضا با ریت‌های فضایی-مکانی طبیعت که به‌وسیله عمل اجتماعی تغییر کرده‌اند، شروع می‌شود. در واقع وی معتقد است که ما نه با یک فضای اجتماعی، بلکه با کنش‌های نامحدود و غیرقابل شمارش از فضاهای اجتماعی مواجهیم، که به‌طور عام «فضای اجتماعی» می‌گوییم. فضای اجتماعی از نظر لوفور (۱۹۷۴)، دارای سه لحظه؛ کنش‌های فضایی، بازنموی فضایی و فضاهای بازنمودی است. «کنش‌های فضایی» به استفاده و بهره‌برداری از زمین، دریا، طبیعت، کوه، جنگل و ... در قالب انواع فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی، بازرگانی، گردشگری و ... گفته می‌شود. این پرنکیس‌ها شامل جریان‌های فیزیکی افراد، گروه‌ها و گردش کالاها و برهم‌کنش‌هایی می‌شود که در سرتاسر فضا ایجاد، و در گذر زمان منجر به شکل‌گیری فرم و کارکرد خاصی از فضا می‌شود (Zelnits, 2007: 164) فضای منتج از رخدادهای و کنش‌های فضا را لوفور، «فضای محسوس» نامگذاری می‌کند.

«بازنمودهای فضا»، به دانش و ایده‌آلیسم مسلط در جوامع اشاره دارد. سطوح مختلف قوانین در بخش‌های مسکن، مالیات، جامعه مدنی، زمین و ... فضای مختص خود را تولید می‌کنند. به اعتقاد سوجا (۱۹۸۹)، این وجه از فضا که بعد ذهنی آن است، غالب‌ترین بخش جامعه و نشانگر ایدئولوژی، تفکر و جریان‌های حاکم بر تولید فضا است. شیلز (۲۰۰۰) بازنمودهای فضا را منطق و فرم‌های دانش و سوجا (۱۹۹۶) از آن به‌سان انبار معرفتی قدرت تعبیر می‌کند. بازنمودهای فضا را لوفور «فضای معقول» نامگذاری می‌کند. «فضاهای بازنمودی» شامل تخیلات، سنت‌ها، نمادها، عرف‌ها و فضاهای مادی متأثر از خلاقیت، خون و اراده (شوینهاور، ۱۸۵۱؛ فرانکل، ۱۹۴۶)، افراد یک سرزمین است، که در تقابل با ساختارهای مسلط، فضای وجودی خود را زایش می‌کنند. فضا به‌عنوان امری تاریخی، همواره در معرض زمان و رندی حافظوار (حضوری؛ ۲۰۱۰)، قرار دارد. در واقع فضاهای بازنمودی به تلاش‌های نخبگان جامعه برای تغییر وضع موجود نیز اشاره دارد. لوفور از فضاهای بازنمودی به عنوان «فضای زیسته» تعبیر می‌کند. بحث قابل‌تامل دیگر شکل‌های مختلف آگاهی و در واقع تولید انسان در همبودی با فضا است. لوفور (۱۹۸۵)، در نقد مسئله شهری کاستلز (۱۹۷۷)، می‌گوید که «کاستلز فضا را نمی‌فهمد و کنار می‌گذارد. طرح‌واره وی ساده‌نگارانه و فروکاست‌گرایانه است، زیرا فقط به سوداگری زمین و مصرف‌گرایی توجه دارد (ژلنيس، ۲۰۰۷: ۱۵۰). در صورتی که نقش فضا در آفرینش نیاز برای صنعت تنها بخشی از واقعیت عظیم است. از نظر لوفور، سیتی علاوه بر مصرف‌گرایی، با سازماندهی زندگی روزمره نقشی فرهنگی نیز دارد. بنابراین فضای شهری علاوه بر جنبه‌های مصرف-گرایی و آفرینش نیاز در راستای چالش‌های سرمایه، از لحاظ زیباشناختی آموزنده و از نظر هژمونیک نیز کارا است. سیتی مکان تولید، روابط تولید و در نتیجه «تولید و بازتولید انسان‌ها به واسطه انسان‌هاست و نه تولید اشیا» (Lefebvre, 1991: 101).

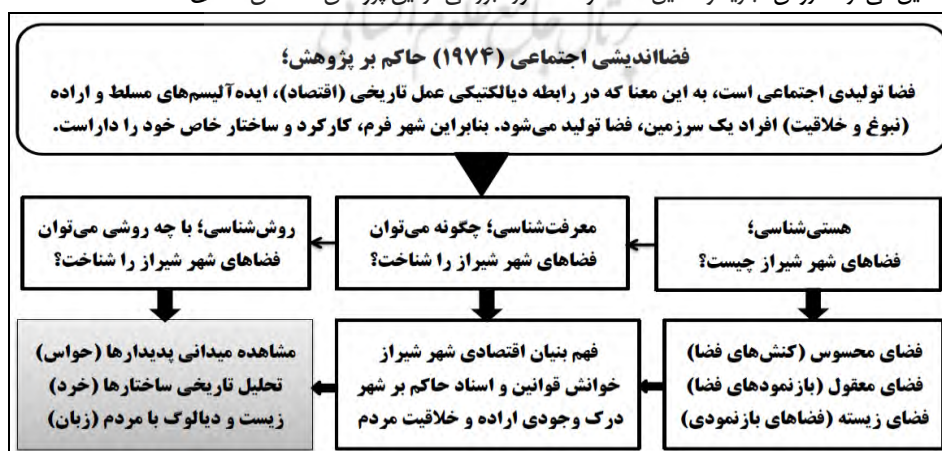
بنابراین کم‌ویکیف اخلاقیات و فرهنگ افراد را باید در پیوند با ایده‌آلیسم‌های عالمیت‌ساز حاکم مورد تفکر قرار گیرد، مانند آینه‌ای که سایر وجوه جامعه را منعکس می‌سازد. در واقع فرهنگ در ذهن افراد زاده نمی‌شود، بلکه متأثر از محل زندگانی آنهاست. در این صورت شهرنشینی به عنوان «شیء مطلق و فی‌نفسه» جای خود را به تصویری می‌دهد که تمامی وجوه مختلف انسان، جامعه، تفکر، ایدئولوژی، تولید، مصرف، توزیع و ... را نمایش می‌دهد. در واقع انسان تولید فضا و فضا نیز نهایتاً تولید انسان بوده، که این رابطه دیالکتیکی بین انسان و فضا همواره محل بحث فلاسفه و اندیشمندان در دوره‌های مختلف تاریخی واقع شده است، به‌طوری که حافظ فیلسوف بزرگ مشرق زمین نیز این واقعیت را به زبان شعر در زمانه خود (۷۲۶-۷۹۱ قمری)، به شح سروده است:

**آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست
عالمی دیگر بیايد ساخت و از نو آدمی**

روش تحقیق:

هر نوع تعریف مطلق، انتزاعی، ریاضی، اجتماعی و ... فضا، به‌تبع روش‌شناسی خاص خود را به دنبال دارد. با توجه به هستی اجتماعی فضا، نوع پژوهش کیفی و مبتنی بر دیالکتیک سه‌گانه؛ فضای محسوس (محتوا و بازار مسلط بر شیراز)، فضای معقول (فرم آگاهی حاکم بر شهر) و فضای زیسته (درک زبان مردم) است. در واقع شناخت فضای شیراز منوط به حضور پدیدارشناس (بهره‌گیری از حسابات پنج‌گانه)، مطالعه تاریخ اندیشه، از جمله آثار متفکرینی چون حافظ، هگل، مارکس، شوینهاور، لوفور، هاروی ... و همچنین دیالوگ با نخبگان و ساکنان شیراز است.

این پژوهش در راستای رهایی از ثبوت ذهن (فرم) و عین (محتوا)، معتقد به تولید دانش برای تغییر وضع موجود است. در واقع با توجه به اعتقاد پژوهشگر مبنی بر همانی سطح ایده‌آلیسم (سطح تعریف فضا) و سطح ماتریالیسم (سطح تولید فضا)، نوع پژوهش از نظر هدف به دلیل فهم تعریف مطلق فضا در شورایی‌معماری و شهرسازی ایران (۲۰۱۰)، بنیادی، و به دلیل تحلیل اثرات مادی (فضامندی) تعریف انتزاعی فضا بر افراد ساکن در شهر شیراز کاربرد دارد. تولید فضا در شیراز در همبودی با تقلیل برنامه‌ریزی به نقشه، در کلیت مبتنی بر شیوه ارتقا شهرنشینی (Rahnamayi, 2009: 33)، با سه مفهوم فرم، ساختار و کارکرد به صورت دیالکتیکی تحلیل می‌گردد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و اسناد مورد بررسی در این پژوهش «گفتمان انتقادی» است.

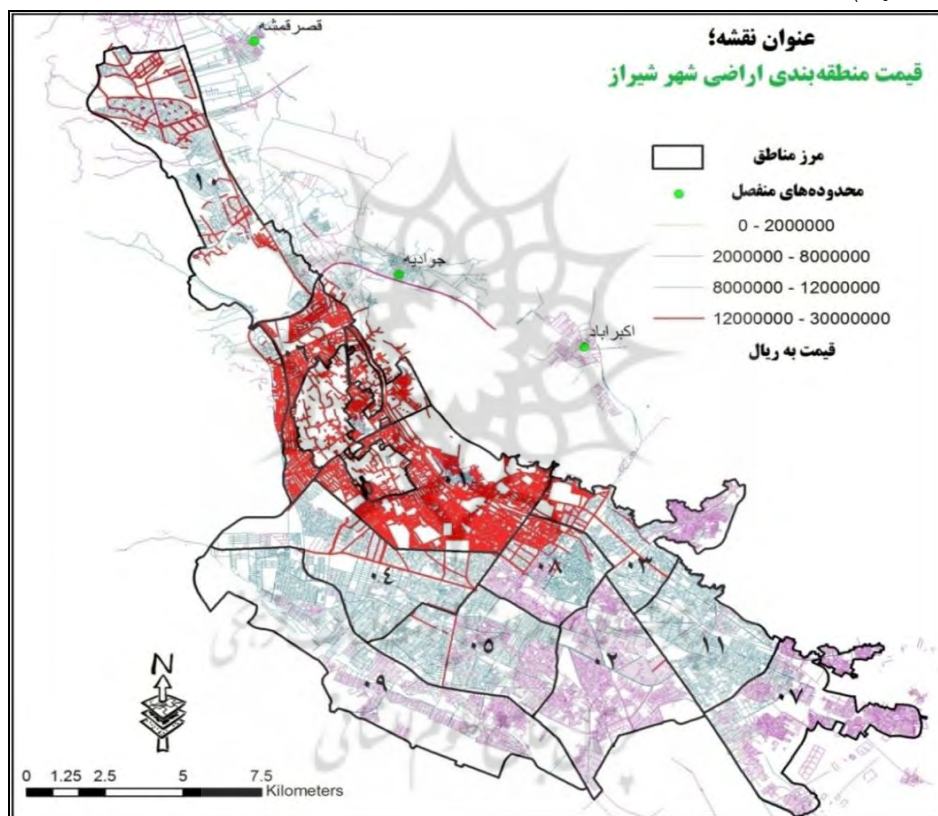


شکل ۱- همبودی نظریه و روش‌شناسی

یافته‌های تحقیق:

فرم شهر شیراز؛ رقابت‌ناپذیری شهری و تثبیت تله‌های فضایی فقر:

درک فضا در شهر شیراز بر مبنای تمامیت آن؛ یعنی در نظر داشتن همزمان فضای فیزیکی، فضای ذهنی و فضای زیسته امکان‌پذیر است. رونق مرکز و زوال پیرامون در شیراز از همدیگر جدا نیست، مرکزی چون محور معالی‌آباد در نبود شرایط زیست مناسب در سایر مکان‌های شهر از جمله محله شیخ علی چوپان، محله مهدی‌آباد (کس‌س)، شهرک رضوان و ... بارز می‌شود. چنین فرمی پیامد متعین شدن روابط اجتماعی مبتنی بر بی‌سیاستی و تقلیل برنامه‌ریزی به نقشه است. باری، ساده‌لوحانه است که فرم شیراز را «طبیعی» و مبتنی بر جریان‌های اکولوژیکی قلمداد کنیم. تولید محیط مصنوع در ارتباط با انتزاع طرح جامع، طرح تفصیلی، کمیسیون ماده پنج و ... سبب رانت‌های انحصاری در محدوده‌هایی از شهر و زوال سایر محدوده‌ها گردید. در چنین پرلوماتیکی برنامه‌ریزی برای شهرها، معطوف به مسائل فرعی نظیر تأمین پارکینگ، سطح اشغال، تعریض معابر برای استفاده افراد صاحب خودرو ... و از هدف اصلی تأمین مسکن، تعاملات اجتماعی، جامعه مدنی و ... بی‌نصیب مانده است. سازوکارهای متکی به کدگذاری انتزاعی اراضی بارزش شهرها، هیچ‌گاه متضمن یک توزیع کارا و عدلانه نیست. تبلور رانت انحصاری در استفاده از اراضی به‌ویژه از دهه ۷۰ به بعد، باعث تشدید طبقاتی شدن و متعین شدن رقابت‌پذیری در شیراز شده است. چنین مسئله‌ای در شهر شیراز، جنبه هنجاری به خود گرفته است، در واقع شهرداری شیراز با ارائه نقشه قیمت منطقه‌بندی، عملاً طبقاتی شدن فضا را تأیید و آن را مبنای درآمد خود قرار داده است. (نقشه شماره ۱).



شکل ۲- قیمت منطقه‌بندی اراضی در شهرداری شیراز و با تفکر انضمامی تأیید شکاف‌های عظیم طبقاتی در سطح شهر شیراز

Source; <https://Esup.Shiraz.ir>, 2017

این مسئله در افزایش نرخ دلار و تورم سال ۲۰۱۸ در کشور بحران‌ساز و فاصله «دارا و ندار» را زیادت‌تر کرد. در واقع با توجه به سکونت بیش از ۲۱۳ خانوار شیراز در مسکن‌های اجاره‌ای تا پایان سال ۲۰۱۷، این خانوارها با افزایش حدود ۱۰۰٪ قیمت مسکن، به شدت متضرر و امیدشان برای خانه‌دار شدن بر باد رفت. برعکس رانت‌های انباشت شده در بخش مستغلات، فتودال‌های شهری را یک شبه صاحب ثروت‌های بادآورده کرد. آیا اگر نظام مالیاتی «متن‌محور» فعلی کشور فرانسه، به جای تهیه «نقشه کدگذاری» در شیراز اجرا می‌شد، نتایجی بهتری حاصل نمی‌گردید؟ در شهرهای فرانسه مالکین متناسب با قیمت املاک‌شان، باید سالانه حدود ۴٪ مالیات به خزانه شهرداری واریز نمایند. بنابراین می‌توان گفت که نقشه طرح تفصیلی در نبود سیاست‌های مالیاتی، کارایی خود را در شهرهای ایران از دست داده و به ابزاری در خدمت طبقه سرمایه‌دار درآمده است. با تفکر انضمامی می‌توان گفت که؛ طبقه رانت‌خوار در متن برنامه‌ریزی نقشه‌ای، «ارزش کار کارگر» را «نباشت» و فضا را به انقیاد خود درآورده‌اند.

جدول ۱- تولید مناسب مسکن و توزیع نامناسب آن در شهر شیراز تا پایان سال ۲۰۱۷

تعداد واحدهای مسکونی	نحوه تصرف واحدهای مسکونی (تعداد)	نحوه تصرف واحدهای مسکونی (%)	تعداد خانوار شهری
۴۷۲۳۵۶	۲۱۱۱۶۱ ملکی	۴۴٪/۷	۴۷۷۹۱۶
	۲۱۳۶۵۱ اجاره‌ای	۴۵٪/۲	
	۴۷۵۴۴ سایر	۱۰٪/۱	

مآخذ: مرکز آمار ایران، ۲۰۱۷.

آن هم در شرایطی که طبق گزارش مرکز آمار ایران (۲۰۱۷)، حدود ۳۷٪ درآمد خانوارهای شهری کشور در بخش مسکن و انرژی هزینه می‌شود. مطمئناً هزینه خانوارها در کلانشهرهایی چون شیراز، نسبت به شهرهای کوچک دارای درصد بالایی می‌باشد. در صورتی که این هزینه در لندن ۲۲٪ و در کل انگلستان (۲۰۱۷)، حدود ۱۶٪ است.

جدول ۲- مقایسه سبد هزینه خانوار در ایران و انگلستان

گروه‌های هزینه	محدوده‌های شهری فارس (%)**	محدوده‌های شهری ایران (%)	لندن (%)**	انگلستان (%)
خوراکیها و آشامیدنی	۲۳	۲۴/۲۰	۱۱/۱۸	۱۲/۲۴
دخانیات	۰/۳۰	۰/۳۰	۱/۷۲	۲/۴۲
پوشاک و کفش	۴/۱۰	۴/۳۰	۴/۹۲	۵/۰۸
مسکن، آب، برق، گاز و سایر انرژی‌ها	۳۲/۹۰	۳۶/۴۰	۲۲/۱۴	۱۵/۸۵
لوازم، اثاث و خدمات خانه	۴	۴/۱۰	۷/۵۹	۷/۹۹
بهداشت و درمان	۸	۵/۹۰	۱/۴۹	۱/۶۰
حمل و نقل	۱۱	۸/۸۰	۱۳/۰۳	۱۶/۱۲
ارتباطات	۲/۲۰	۲/۱۰	۳/۳۲	۳/۴۶
تفریح و امور فرهنگی	۱/۸۰	۲	۱۲/۹۸	۱۵/۰۵
تحصیل	۱/۸۰	۱/۸۰	۲/۴۳	۱/۵۸
رستوران و هتل	۱/۷۰	۲/۲۰	۱۰/۸۳	۹/۸۶
کالاها و خدمت متفرقه	۹/۳۰	۷/۹۰	۸/۳۵	۸/۷۷
درصد	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪

Source; Statistical Center of Iran*, (2017); office for national statistics**, (۲۰۱۷)

در چنین شرایطی بازنگری تعریف خدمات اساسی در طرح تفصیلی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در واقع اولویت طرح‌های توسعه شهری باید سیاستگذاری در زمینه تامین مسکن برای حدود ۴۵٪ اجاره نشین باشد، نه اینکه اراضی شهر در راستای استفاده طبقه سرمایه‌دار با انواع کاربری‌های انتفاعی تثبیت گردد. آیا به فرض تحقق سرانه‌های آموزشی، درمانی، فرهنگی، مذهبی و ... طرح تفصیلی مصوب ۲۰۱۶ شیراز، مسائل اقشار فرودست حل خواهند شد؟ با وجود راه‌اندازی حدود ۵ درمانگاه خصوصی در محله جنوب شهری فرگاز شیراز، واقع در محدوده منطقه چهار شهرداری شیراز، نتایج مطالعات میدانی نگارنده، بهره‌گیری از خدمات درمانی را منوط به داشتن درآمد کافی دانسته است. در واقع وجود مراکز بهداشتی و درمانی، شرط لازم برای استفاده است، اما شرط کافی نیست. بهره‌مندی از خدمات درمانی، نه فقط به دسترسی، بلکه مهمتر از آن، به نسبت هزینه‌های بهداشتی و درمانی به کل مخارج خانوارها بستگی دارد. با واگذاری خدمات به بخش خصوصی در بعد کلان و به انقیاد درآمدن فضا توسط سرمایه‌داران در بعد خرد، منطق سود بر فرایند تولید خدمات اساسی طرح تفصیلی حاکم و ارائه خدمات بیش‌ازپیش به سمت کالایی شدن سوق پیدا کرده است. در واقع اقشار متوسط و فرودست که قبلاً زیر چتر دولت از خدمات درمانی، آموزشی، تفریحی و ... بهره‌مند می‌شدند. اکنون متناسب با توانایی مالی‌شان، امکان بهره‌گیری و استفاده از قلمروی کالایی شده جدید را دارا می‌باشند. کاهش توان برخورداری جامعه از خدمات عمومی منجر به مهاجرت آن‌ها در گذر زمان شده است. در شرایط حاکمیت انتزاع «پول» بر تأمین نیازهای شهروندان، آنان که صاحب فضا و رانت‌اند، از خدمات انتفاعی به‌آسانی بهره می‌برند، و آنانی که جز نیروی کار خویش، چیزی برای افزایش قیمت در تورم‌های دوره‌ای ندارند، برای تأمین نیازهایشان، اراده‌شان را نیز به حراج می‌گذارند. امانوئل کانت (۱۶۴۱)، «روشنگری» را عبارت از «برون‌رفت آدمی از وضعیت صغارت به تقصیر خویش» می‌داند. بدین معنا، «روشنگری» توانایی دستیابی به بلوغ فکری و فرهنگی است. از سوی دیگر، با نظر به شعار روشنگری که کانت آن را در قالب جمله دستوری «در به‌کارگیری فهم خویش شهامت داشته باش!» صورت‌بندی کرده است، می‌توان به دو مقتضی برای روشنگری اشاره کرد: «تفرد» و «تفکر». تفکر

یعنی «توانایی تردید کردن، پرسش افکندن و شعور خود را به کار گرفتن» و تفرّد یعنی «توانایی تابع نبودن، تقلید نکردن، و از خویش فرمان بردن» است (Zarjanim 2016: 1).

کارکرد شهر شیراز؛ مصرف‌گرایی در کلیت مبتنی بر تقلیل علم اقتصاد به سوژه‌سازی فضا:

لفور (۱۹۷۴)، با خوانش اقتصادی از فضا، حقیقت شهر را در پیوند با «زیاندن فضا» می‌داند و معتقد است که باید فضا را از عقیم بودن خارج، و به‌جای نقش تاریخی دایه‌گی برای فرزندان دیگر پدیده‌ها، به فضا این امکان را داد که نقش مادر واقعی را بازی کند و فرزند خود را بزیاید. در واقع حقیقتی از شهر که وی به دنبال آن است، تأکید بر مناسبات سیاسی میان شهروندان (نگاه دولت شهری)، در برابر مناسبات اقتصادی (نگاه اربانیزیشن)، حاکم بر شهر مدرن است. وی جایگزینی هدف اقتصادی، «آزادی و کمال» به‌جای هدف سیاسی تاریخی «خشنودی و سعادت» را از دست‌آوردهای حاکم شدن نگاه سرمایه‌داری بر شهرهای غربی می‌داند (Shaghghi, 2016: 133). گذر از نقش «زاینده‌گی در فضا» به «زیاندن خود فضا» را می‌توان در تحولات اجتماعی - اقتصادی ایران در طی چند دهه اخیر به‌وضوح مشاهده کرد. به‌طوری‌که براساس پژوهش رهنمایی (۲۰۰۹)، گرایش مردم ایران به شهرنشینی بعد از دهه ۱۳۴۰، یک فرایند طبیعی و عادی، حاصل از رشد جمعیت و «زاینده در فضا» نیست، بلکه روندی است هدایت شده که توسط حاکمیت ترغیب، تشویق و تا جایی پیش می‌رود که منافع مردم و حاکمیت در مقوله شهرنشینی و «زیاندن خود فضا» بر هم منطبق می‌شوند. دولت برای انجام امور کارگزاری، تصدی‌گری امور کارفرمایی و برای اعمال حاکمیت خود به پایگاه‌های شهری برای استقرار عناصر و عوامل خود نیازمند است.

به همین دلیل برای رسیدن به اهداف عملیاتی خود در هر سه حوزه، ناگزیر از تقویت و افزایش تعداد شهرها است. از این رو با افزایش منابع درآمدی دولت، یعنی گسترش یافتن حوزه عملیاتی وی، ناگزیر باید تعداد شهرها نیز افزایش می‌یافت. به‌طوری‌که تعداد شهرهای ایران طی دهه ۲۰۰۷-۱۹۹۷ از ۶۱۴ شهر به ۱۰۱۸ شهر افزایش یافت. یعنی طی ده سال ۴۰۴ نقطه شهری جدید و یا هر سال ۴۰ شهر و به عبارتی بهتر هر ۹ روز یک شهر در ایران تولید شد. در چنین شرایطی، فضا و زمان دیگر مقولات کانتی نیستند، به این معنا که فضا و زمان به‌خودی‌خود تجربه می‌شوند، و مستقیماً به شرایط تاریخی که درون آن قرار دارند مرتبط هستند. بنابراین در معرفت‌شناسی شیراز امروزی، باید فضامندی را در همبودی با گفتمان حاکم مدنظر قرار داد و خنثی بودن فضای کانتی را اصلاح کرد. در واقع می‌توان گفت که هسته اصلی شیوه ارتزاق حاکم در ایران فضاست. شیوه ارتزاقی که عادت‌ها و فضاهای کهنی، که در طول فرز و نشیب‌های تاریخی بوجود آمده است، را از بین می‌برد. فضای شهر شیراز به‌سان ظرفی خنثی (رویگرد نیوتنی) و از پیش موجود برای افراد ساکن در آن نیست، بلکه فضایی است که خود مبنای بسیاری از کنش‌های روزمره این شهر است. با توجه به جدول شماره ۳، می‌توان گفت که بوجود فرهنگ‌ها و سنت‌های تاریخی نهادینه‌شده شهرهای کشور در گذار تاریخ، حداقل مسائل کلان‌شهرها از منظر طبقاتی شدن، به انقیاد درآمدن فضا برای قشرهای خاص، رقابت‌ناپذیری، درصد اجاره‌نشین بالا، شکل‌های مختلف آگاهی و ... تا حدود زیادی شبیه به هم و تقریباً از یک سنخ می‌باشد. در واقع منطق حاکم بر فضا در کشور، بر دیالکتیک‌ها و تاریخ شهرها غلبه و آن را به زیر یوغ خود درآورده است.

جدول ۳- ذات و منطق تقلیل علم اقتصاد به سوژه‌سازی در فضا

شیراز	مشهد	اصفهان	تبریز	کرج	تهران	گروه‌های عمده شغلی در سال ۱۳۹۰
۵/۲	۴/۸	۵/۷	۵/۱	۵/۹	۷/۳	قانون‌گذاران، مقامات عالی‌رتبه و مدیران
۱۳	۱۰/۵	۱۳/۱	۱۰/۵	۱۲/۳	۱۶/۲	متخصصان
۷/۹۰	۷/۳	۸	۶/۴	۱۱	۱۰/۵	تکنسین‌ها و دستیاران
۵/۸۲	۵/۱	۵/۸	۴/۸	۷/۶	۸/۴	کارمندان امور اداری و دفتری
۱۴/۷	۱۶/۳	۱۵	۱۴/۸	۱۵	۱۶/۹	کارکنان خدماتی و فروشندگان
۲/۷۱	۲	۲/۲	۱/۷	۱/۲	۹	کارکنان بخش کشاورزی
۱۶/۳۷	۲۲/۹	۲۲/۹	۲۶	۲۰/۲	۱۵/۷	صنعت‌گران و کارکنان مشاغل مربوطه
۱۲/۶۵	۱۱/۷	۱۱/۸	۱۲/۱	۱۲/۱	۹/۵	متصدیان ماشین‌آلات و رانندگان وسایل نقلیه
۱۲/۸۴	۱۴/۵	۹/۱	۱۳/۱	۹/۷	۷/۴	کارگران ساده
۸/۸۲	۴/۹	۶/۴	۵/۵	۴/۹	۷/۱	سایر و اظهارنشده
۱۰۰٪						جمع

مأخذ: سرشماری‌های نفوس و مسکن، ۲۰۱۲.

در چنین شرایطی، کارکرد شهر شیراز از دهه ۶۰ به بعد، بدون در نظر گرفتن سوژه‌سازی‌های مرتبط با فضا چه می‌تواند باشد؟ صدور پروانه احداث بنا از سوی شهرداری مناطق ملزم به طی مراحل مختلفی می‌باشد. چنین فرایندی افراد زیادی از جمله نقشه‌برداران، معماران، مهندس تفکیک، طراح، ناظر، دفاتر ماده ۳۳، کارشناس اسناد و ... به خود مشغول ساخته است. در واقع ردپای طرح تفصیلی را می‌توان در عمده کنش‌ها و سوژه‌سازی‌های شهرهای کشور از جمله شیراز مشاهده کرد. بازنگری طرح تفصیلی شیراز در طی حدود ۱۰ سال، شرایط ایجاد کنش‌های مستقیم مرتبط با بخش ساخت‌وساز و کنش‌های غیرمستقیم مرتبط با تزریق عوارض ساخت‌وساز به سایر بخش‌ها را فراهم کرد. اگر در دوره قبل از اتکا به درآمدهای نفتی، سامان دادن زمین‌های کشاورزی و تحت کنترل درآوردن

رعیت‌ها، استیلائی حاکمان را قوت می‌بخشید، در دوره شهری‌شدن، این شهر است که در کانون اعمال قدرت دولت‌ها قرار می‌گیرد. کنش‌های ناشی از پلی-سازي، شرکت‌های فولاد، تأسیسات، سیمان، بانک‌ها، جامعه مهندسين، پیمانکاران و ... باعث رونق چرخه کاذب مصرف‌گرایی در سطح وسیع می‌گردد. سرمایه-گذاری در فعالیت‌های عمرانی با تولید محیط‌های مصنوع (شهرک‌ها)، گذشته از مصرف‌گرایی و سوژه‌سازی‌های مقطعی، باعث جدایی‌گزینی طبقاتی و به «دام انداختن فقرا» در داخل محدوده‌های خاصی از شیراز شده است. بنابراین در نبود رقابت‌پذیری شهری، مسکن ارزان قیمت به محدوده‌های چون شهرک‌های وزیرآباد، دهپاله، کت‌سس، سامان، شیخ علی چوپان و ... در جنوب شهر، شهرک‌های ترکان، وزیرآباد و ... در حوزه شرق شهر، و بافت تاریخی شیراز در مرکز شهر منتهی می‌گردد. پس نحوه استفاده و تخصیص فعالیت‌ها در شیراز را باید در پیوند با پدیدارشدن رانت مطلق، انحصاری و افتراقی در این شهر بررسی کرد. تبلور رانت انحصاری در استفاده از اراضی شیراز در طرح‌های تفصیلی این شهر، باعث طبقاتی شدن فضا شده است. اهمیت چنین مسئله‌ای در توزیع ناعادلانه ثروت شهر، در تورم‌های دوره‌ای کشور نمایان می‌شود.

ساختار شهر شیراز؛ گسست فضا از هستی آگاهی بخش خود در شیراز، کاهش تعاملات اجتماعی و تعمق:

سکونت انسان در جهان رخداد معناداری است که، در مکان‌های مختلف و در نسبتی از بودن یا نبودن با سایر انسان‌ها شکل می‌گیرد. دسترسی به مسکن مناسب، محلات امن، مدارس خوب، ارتباطات مفید و ... شدیداً تحت تأثیر اجتماعی است که یک فرد در آن متولد و بزرگ می‌شود و در حال حاضر در آن ساکن است. در واقع ساختار فرصت‌ها به شدت وابسته به محل زندگی افراد است. به عبارتی دیگر به دلیل فضا مندی و تا حدودی تخت‌مند بودن انسان در مکان و زمان، رشد شخصیتی، ذهنی و تربیتی افراد، از منظر اینکه در محله بالاشهر «گلدشت معالی آباد» یا پایین شهر «کتس‌س» زندگی فرق می‌کند. بنابراین با عنایت به تأثیر آگاهی بخش فضا بر افراد، ارزش‌مند شدن محله‌های، و به تبع آن طبقاتی شدن فضا در شیراز بر عالمیت و تعمق انسان‌ها تأثیر مستقیم دارد. در شرایطی که طرح تفصیلی در کشورهای مبدع آن، در راستای بهبود مشکلات و مسائل ناشی از انقلاب صنعتی و بازسازی‌های ناشی از جنگ‌های جهانی مفید و کارا واقع شده بود. این طرح‌ها در سایر کشورهای اقتباس کننده از جمله ایران، علاوه بر تأثیرگذاری در رفع تناقض‌های ناشی از مزاد درآمدهای نفتی، به ابزاری در راستای کنترل و نظم اجتماعی به کار گرفته شدند، و از این رو اثرات منفی خود را در گذر زمان آشکار ساختند. در واقع وجود بیش از ۱۲۲۵ شهر تا سال ۱۳۹۵ در کشور، صرفاً کارکرد اقتصادی در راستای بقای دولت‌ها (رهنمایی، ۱۳۸۲) ندارند، بلکه علاوه بر آن تولید شکل‌های مختلف آگاهی نیز باید مد نظر قرار گیرد.

این مسائل روشن‌گر پیچیدگی و عمق مسئله مورد بررسی است که در این پژوهش مورد واکاوی قرار گرفته است. در نتیجه اجرای طرح‌های تفصیلی در شیراز، فضاهای عمده این شهر، به‌ویژه برای کسانی که خاطره‌ای از زندگی در این شهر داشته‌اند، هستی خود را از دست داده‌اند. به طوری که در گفت‌وگوهای روزمره با سکنه و نسل قدیمی شیراز، شاهد بوده‌ام که آن‌ها در مواجهه با فضاهای جدید مبادله‌ای، از مزایای فضاهای گذشته سخن گفته‌اند. حتی افراد مهاجری که سابقه ذهنی یا تجربی خاصی از شیراز نیز نداشته‌اند، مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و وجودی خود، فضاهای کنونی را برای رضایت خاطر خود مکفی نمی‌دانند. به نقل از شار (۲۰۰۷)، هایدگر (۱۹۵۱)، با بررسی واژگان بنا کردن و سکونت کردن در زبان آلمانی و برخی از زبان‌های دیگر نشان می‌دهد که «بنا کردن، عملی جدا از سکونت کردن نیست، بلکه بنا کردن یعنی همان سکنی‌گزیدن است». به این ترتیب انسان «بودن»، یعنی زندگی یک موجود بر روی زمین، به معنی سکونت کردن است، پس هستی انسان جز سکونت درجایی بنا نشده، معنایی ندارد؛ یعنی انسان بنا می‌کند چون ناچار به سکونت است، او موجودی فانی و هستی-اش در زمان و مکان، معنایی جز آفرینش کالبدها ندارد. هایدگر (۱۹۵۱)، بیان می‌دارد که یک چیز ساخته شده به نحو خاص خود، هستی را در خود پدید می‌آورد. درواقع یک چیز ساخته شده، نمادی از هستی است که، این نماد از بدو خلق شدن همراه آن است. از نظر وی، چیزهایی که به‌مثابه مکان، جایی را فراهم می‌کنند، بنا نامیده می‌شوند. با سامان دادن این بناها، محل‌ها و سپس مکان‌ها پدیدار می‌شوند که این مکان‌ها نیز فضاها را پدید می‌آورند. بر مبنای مطالب مذکور، می‌توان به این نکته مهم در اندیشه هایدگر پرداخت که؛ ساختن خانه باید برای سکونت کردن باشد، هر خانه‌ای را باید با هدف سکنی‌گزیدن طراحی و بنا کرد، چون انسان اهل سکونت کردن است. در چنین شرایطی مکان به انسان تعلق می‌یابد و بستر لازم جهت انکشاف اندیشه، آگاهی، رفتارهای و تعاملات معنادار در زندگی فراهم می‌شود.

بر مبنای هستی‌شناسی هایدگری (۱۹۲۷)، می‌توان گفت که هستی فضا به معنای انضمامی کلمه برای عمده افراد ساکن در شیراز، اعم از طبقه با درآمد بالا، درآمد متوسط و درآمد کم از بین رفته است. در واقع شیراز تأمین کننده و رفع کننده همه نیازهای طبقات جامعه از بالاترین دهک تا پایین‌ترین دهک نیست، اگر طبقه صاحب فضا با کسب درآمد در بستر فضای انتزاعی توانسته‌اند، در لوکس‌ترین محلات و خانه‌ها سکونت کرده، ولی باین وجود، تجسم وضعیت کالبدی، شلوغی، ترافیک، کاهش امنیت، ناهنجاری‌ها و ... در شیراز، باعث سلب آرامش و آزرده‌خاطر آن‌ها نیز شده است. تأثیرگذاری فضای انتزاعی بر طرح تفصیلی شیراز، مانع از زایش فضاهای مناسب تعامل و اندیشگی شده است. درواقع با همه اعتقاد به آزادی‌های افراد، نظم و قاعده‌مندی خاصی در نتیجه سازوکارهای بازتولید فضا در طی چند دهه اخیر، بر شیراز حاکم و این شهر ایزه رانت شده است. پس باید سؤال کرد که هدف از تصویب طرح تفصیلی شیراز، و به معنای انضمامی آن، هدف از ارزش‌گذاری اراضی شهر شیراز چیست؟ این ارزش‌گذاری‌ها و قطعه‌بندی‌های به‌وسیله چه کسانی صورت پذیرفت؟ آیا در چنین فضاهای به عدالت اجتماعی و تأمین مسکن محرومان توجه شده است؟

حضور نداشتن افراد در فضاهای جمعی شیراز از علل مهم کاهش حیات اجتماعی، دیالوگ و تعمق در مورد مسائل این شهر است. اگر احداث بنا در شیراز تا دهه ۵۰ شمسی بر مبنای مقتضیات اقلیمی، آیین‌ها، سنت‌ها و ... بوده است. تولید فضا ذیل مفهوم «طرح تفصیلی» در شیراز با چه هدفی بوده است. آیا چنین ساخت‌وسازهایی با معیارهای زیسته، عدالت‌محور و از همه مهم‌تر، با هستی قرابت و همخوانی دارد. در جدول شماره ۴، نسبت به بررسی هستی یک فضا با تکیه بر اندیشه هایدگر از مفهوم «سکنی‌گزیدن، ۱۹۵۱» در مقایسه با مبذل شدن «شهر شیراز» به ابژه سرمایه اقدام شده است.

جدول ۴- مقایسه ویژگی‌های فضاهای شهری از منظر هستی‌بخشی و ابژه بودن

ساختن با هدف مبادله‌ای	بنا کردن با هدف سکنی‌گزیدن
مهجوریت و نبود تعمق	دیالوگ و تحرک اندیشه
زندگی کردن در خانه‌های آپارتمانی	زندگی کردن در خانه‌های حیات‌دار
پرسه زدن و فرومایگی	تعاملات با دیگری
تفکر انتزاعی	تفکر انضمامی
پیوستگی با موجود	پیوستگی با هستی
تفکر توده‌وار	در جهان بودن

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷.

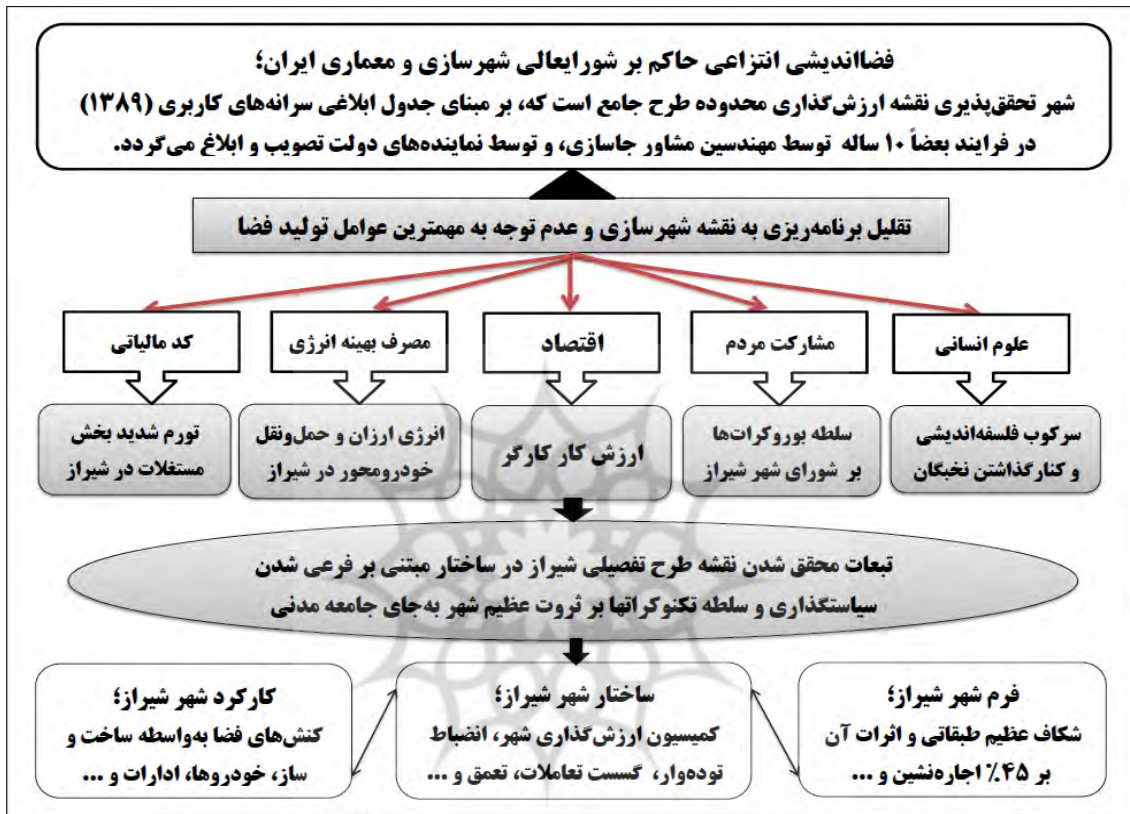
از نظر لوفور (۱۹۹۶)، حق به تملک (تخصیص)، علاوه بر حق به دسترسی، شامل حق استفاده از فضاهای موجود و حق ایجاد فضاهای جدید بر مبنای نیازهای سایر افراد است. اما، آیا چنین حقی برای افراد ساکن در شهر شیراز وجود دارد؟ آیا ساکنان این شهر از حق مسکن مناسب برای ادامه حیات خود برخوردار هستند. بنابراین شیراز پهنه‌بندی و کدگذاری شده در طرح تفصیلی، امکانی محدود را برای قوه تخیل، خلاقیت و هیجان افراد فراهم می‌کند. از نظر لوفور (۱۹۹۲)، درساز خودکارشدگی تکرارها را در پی دارد، درساز جای امر پیش‌بینی‌نشده و قوه‌ی ابتکار هستی‌های زنده را می‌گیرد. شیوه‌های تربیت انسان‌ها در ارتباط با دانش نظامی، آموزشگاه‌ها و حرفه (محیط کار) است. در نتیجه فضا و زمان طراحی‌شده، امکانی بیش از توهم را برای انسان‌ها، آموزش و خلاقیت فراهم می‌کنند؛ درساز ناپدید نمی‌شود و بیشتر ضرب‌آهنگ‌ها را تعیین می‌کند. مردم در خیابان‌ها می‌توانند به راست یا چپ بروند، امام قدم‌زدنشان، ضرب‌آهنگ قدم‌زدنشان و حرکت-هایشان برای همه آن‌ها یکسان است (لوفور، ۲۰۱۵: ۹۵). البته وی به این نکته توجه دارد که این شرایط به هیچ‌وجه مطلق نیست. در واقع باید مفهوم «زندگی» حافظ (Hasori, 2010) و ابرمرد نیچه را نیز از نظر دور نینداشت. بر مبنای چنین پایه نظری می‌توان گفت که؛ طرح تفصیلی شیراز، خواه آگاهانه و خواه ناخواه، به ابزاری در ارتباط با بازنمودهای دولت‌ها، از منظر مهیاکردن شرایط زیست یکنواخت، نامنصف و دور از قوه‌ی خلاقیت مبذل شده است. چرا که تأثیر فضا (عالمیت)، در زندگی ما به گونه‌ای است که حتی بر ریتم بدنی ما تأثیرگذار و دربردارنده جنبه تعیین بخشی فکری و جسمانی است. به عبارتی دیگر می‌توان گفت که فضا بر مبنای راهبردهای کلان ماهیتی سیاسی دارد.

نتیجه‌گیری:

مفهوم‌پردازی زندگی افراد با هدف سازماندهی ساخت‌های اجتماعی - تاریخی در طی چند دهه اخیر در کشور مورد توجه و انتزاعاتی چون «نقشه‌الحاق زمین به محدوده شهر» به نام طرح ساختاری - راهبردی، «نقشه ارزش‌گذاری اراضی شهر» به نام طرح تفصیلی و انتزاع دهه هفتادی «مهندسی شهرسازی» به نام برنامه‌ریزی شهری بر فضاهای زیسته ایران مسلط گردیده‌اند. در نتیجه شهرهای کشور نه به مثابه پویایی از مناسبات درونی جامعه، بلکه به عنوان مجموعه‌ای از پدیدارهای منشعب از شیوه ارتزاق مبتنی بر بازساخت فضا، که در خدمت اهداف طبقات خاص است، تولید شده‌اند. بنابراین تبیین گسست هستی از شیراز و مبذل شدن آن به ابژه رانت در راستای بازساخت فضا و فرهنگ سیاسی تبعی، مسئله این پژوهش است. به عبارتی دیگر این پژوهش در پیوند با زوال و آشفستگی سوژه انسانی در متن فضای ملی ایران به طور اعم و متن فضای شهری شیراز به طور اخص، ندای اجتماعی بودن فضا و سازمان‌دهی شدن زندگی افراد را در پرلما تیک حاکم سر می‌دهد. سلطه انتزاعات به مثابه خون در شریان‌های حیاتی گفتمان حاکم، با تولید فضا و به تبع آن «جریان‌های سوژه‌ساز» گره خورده است. دولت‌ها در طی چند دهه اخیر با تولید فضا به حیات خود ادامه داده‌اند. در واقع می‌توان گفت که فضای شیراز نه یک لوح سفید، بلکه واقعیتی اجتماعی است. واقعیتی که هیچ فاصله‌ای با جغرافیای فرهنگی و اراده افراد ساکن در این پهنه سرزمینی ندارد.

پیامد ابژه شدن شیراز، از بین رفتن فضای ملاقات‌ها و برخوردهای اجتماعی و به تبع آن کوچک‌تر شدن ذهن‌ها و نااندیشگی می‌باشد. بنابراین ساکنان شهر شیراز، فضا را به شیوه اختیاری درک یا بازنامایی نمی‌کنند، بلکه زندگی آن‌ها متأثر از عالمیت و کنش‌هایی است که از طریق انتزاعاتی چون کاربری زمین، مؤسسات مالی، نظام مهندسی، کالایی شدن نظام آموزشی، خدمات درمانی و ... در متن شیوه ارتزاق مبتنی بر شهرگرایی بر آنها تحمیل می‌شود. بر اساس مطالعات میدانی صورت گرفته، باید گفت که تغییرات منبعث از طرح تفصیلی نقشه‌محور، باعث دگرگونی زندگی روزمره و سنت‌های کهن در شهر شیراز شده است. مهندسی تهیه‌کننده طرح ساختاری - راهبردی شیراز، از تعریف فضا به عنوان «هستی آگاهی‌بخش» ناتوان و در چنگال فضای انتزاعی گرفتار شده‌اند. در واقع در اذهان آن‌ها مطلق بودن فضا نقش بسته و در نتیجه طرح تفصیلی برای آن‌ها، صرفاً به تهیه نقشه و کدگذاری اراضی شهری خلاصه شده است. بنابراین همه قصه شهر شیراز را «نباید» نتیجه مدرنیسم (حیبی، ۱۹۷۷)، دانست، بلکه زایش تضادها را باید نتیجه انضمامی شدن بازنمودهای فضا در چند دهه

اخیر دانست. بازنمودهایی که منجر به غلبه تکنوکراتها بر ثروت عظیم شهر، متعین نشدن جامعه مدنی، انرژی ارزان، نبود نظام مالیاتی، اجاره‌نشینی و ... در واقع فقدان برنامه‌ریزی در شهرهای ایران شده است. چنین آگاهی بر مبنای پدیدارشناسی و دیالوگ با صاحبان فضا و تهیدستان شیراز حاصل شده است. بنابراین در این پژوهش منظور از فضای انتزاعی موثر بر طرح تفصیلی، فقدان برنامه‌ریزی در شهرها و پدیدار شدن انواع سودجویی‌ها، رانت‌خواری‌ها، کارکرد مغایر با زیست‌پذیری و... در فرایند اجرای نقشه طرح تفصیلی و به معنای انضمامی آن در «فرایند تولید شهر» است. حال باید بازنمود مسلط، یعنی «تعریف انتزاعی فضا و تقلیل برنامه‌ریزی به نقشه»، به سمت «تعریف انضمامی فضا و برنامه‌ریزی متن‌محور» در شهرها جهت‌یابی گردد. در واقع تغییر جهت برنامه‌ریزی علیه شهر به سمت فضیلت برنامه‌ریزی، با گذر از رویکرد نقشه‌ای شهرسازان به سیاستگذاری متنی پدیدار خواهد شد. به عبارتی دیگر شالوده آغاز تغییر فضا و زایش مدنیت در شهرها با اصلاحات شهری و تغییر سیاست‌های پوسیده دهه ۵۰ و ۶۰ ممکن می‌گردد.



شکل ۳- مدل مفهومی جریان‌های موثر بر تولید فضا در شهر شیراز - منبع: ترسیم نگارندگان، ۱۳۹۷.

Reference:

1. Adam, Sharr, (2007): *Heidegger for Architects*. Persian translation by R. Ahmadi Nezhad, (2012), Tahan Publications, Tehran.
2. Castells, m (1977) :, *the urban question*, Cambridge, Ma: MIT press.
3. Farjam, R (2014) :, *Spatial Analysis of Urban Mix use Planning and Decline of Central City Division (Case Study; Shiraz)*, Thesis for Doctoral degree in Geography and Urban Planning, University of Kharazmi, Tehran.
4. Farnahad Consulting Engineers (2016), *Detailed Plan of Shiraz City (District 1 and 6)*, Municipality of Shiraz, Shiraz.
5. Frankl, Viktor Emil (2006), *Man's Search for Meaning; An Introduction to Logotherapy*, Beacon Press, Boston (Originally published in 1946).
6. Habibi, M (1997) :, *DE LA CITE A LA VILLE*, Tehran University Publication, Tehran.
7. Harvey, D. (1978), *Labor, capital and class struggle around the built environmental in advanced capitalist urbanization and conflict in market societies*, ed. K. r. cox, 9-37. Chicago; Maaroufa press.
8. Harvey, D. (2003). *The right to the city*. *International journal of urban and regional research*, 27(4), 939-941.

9. Harvey, D., (1973), *Social Justice and the City*, Translated by Hesamyan, F, Haeri M. H and Monadyzadeh, B. Publications Urban Planning and Processing Company, Dependent to Tehran Municipality.
10. Heidegger, Martin, (1927), *Being and time*. English Translator by J, (1962), Macquarreis, New York. Persian translation by S. jamadi, (2006), Qoqnoos Publications, Tehran.
11. Hasouri, A. (2010), *Hafiz from a different View Point*, CHESHMEH Publication, Tehran.
12. <https://data.oecd.org/tax/tax-on-property.htm>.
13. <https://esup.shiraz.ir>.
14. Institute Of Social Research And Studies, University of Tehran (1973), *Shiraz Master Plan*, Ministry of Housing and Urban Development, Tehran.
15. Iranian High council of Urban Development and architectural (2010), *Researcher Plan For Detailed Definitions and Concepts of Urban Land Use and Their Per Capita Determination*, Tehran.
16. Statistical Center of Iran, (2012, 2017), *the Result of Public Census of Housing and Population*, Tehran. (www.amar.org.ir).
17. Lefebvre, H (1992), *Rhythm analysis; Space, Time and Everyday Life*. English Translation by E, Stuart and G Moore, (2004), NewYork & London: Continuum. Persian translation by Torkameh, A. and Modiri, A, (2015), New ROKHDAD Publications, Tehran.
18. Lefebvre, H. (1970). *The Urban Revolution*. Translation by R. Bononno, (2003), University of Minnesota press.
19. Lefebvre, H. (1974). *The Production of Space*. English translation by D. Nicholson-Smith, (1991), Blackwell Publications, Cambridge. Persian translation, M. Abdolazade, (2016), Municipality of Tehran Publications, Tehran.
20. Lefebvre, H. (1996), *Writings on cities*, Oxford, Blackwell 63-181.
21. Maab Consulting Engineers (2016), *Detailed Plan of Shiraz City (District 3 and 7)*, Municipality of Shiraz, Shiraz.
22. Naghshmoheet Consulting Engineers (2016), *Detailed Plan of Shiraz City (District 4)*, Municipality of Shiraz, Shiraz.
23. Pardaraz Consulting Engineers (2016), *Detailed Plan of Shiraz City (District 2)*, Municipality of Shiraz, Shiraz.
24. Rahnoma, M, T. (2009), *Theory of Government and urbanization in Iran*, *Journal of Geography and Regional Planning*, vol. 1, PP. 143- 165.
25. Schopenhauer, A. (1851), *Aphorismen Zur Lebensweisheit*, Insel Taschenbuch, Frankfurt/M. Persian translation by M. Mobasheri, (2010), Nilofar Publications, Tehran.
26. Shaghghi, P. (2016), *The right to the city; Rereading the linkage between rights and space in the Iranian city*, *Journal of Haft Shahr*, VOL 4. No 49, PP; 132-145.
27. Shields, r (2000), *Lefebvre, love and struggle*, London, Rutledge.
28. SHRHR-O-KHANE Consulting Engineers, (2010), *Shiraz City Master Plan*, Department of Housing and Urban Development in fars, shiraz.
29. Soja, E. W. (1989), *postmodern geographies, the reassertion of space in critical social theory, verso, second impression*, London- New York.
30. Soja, E. W. (1996). *Thirdspace: Journeys to Los Angeles and Other Real-and-Imagined Places*. Massachusetts: Blackwell.
31. Mendieta, E. (2001), 'Invisible cities: a phenomenology of globalization from below' , *City* 5(1) pp 7-26.
32. Office for national statistics (GB), (2017), *Household expenditure by countries and regions, uk: Table A33*. (<https://www.ons.gov.uk>).
33. Zieleniec, A. (2007), *Space and Social Theory*, SAGE Publications. Persian translation by A. Torkame, (2017), Science and Catcher Publications, Tehran.

Research Paper

Reduced Consequences of Planning in a Detailed Plan Map in Shiraz

Sajjad Ahmadi¹: PhD Student of Geography & Urban Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran
Ali Movahed: Associate Professor of Geography & Urban Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran
Ali Shamaai: Associate Professor of Geography & Urban Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran

Received: 2018/5/20

pp: 113- 116

Accepted: 2018/11/21

Abstract

in This Study, Space is Not Understood as a Neutral and Unaltered Container, Rather It Is Considered as an Informative Content for Human Beings. In Other Words, Time In A Space-Bound Framework Is Fixed, And Understanding The Existence of A Social Space Requires A Historical Awareness And Knowing The Man. The Purpose of This Study is To Decode the Mechanisms affecting The Production of Classy and Disordered Urban Form, The Subjective Function of Consumerism and The Rupture in The Structure of Social Interaction in Shiraz. Flows that are Not Easily Understood and Require Careful Thought - Based Scrutiny. The experience of space is not separate from the text, but implies the theoretical realm and indeed the relation between the quality of idealism and the quality of life. Every kind of absolute, abstract, math, social, and so on definition of space follows its own methodology. According to the social production of space, the type of research is qualitative and based on the triple dialectic; Perceived Space (Shiraz's economy and market), Conceived space (The laws and structures governing the city), and living space (Shiraz people's will and creativity), this Research Ontology at Examining the Existence of a Social Space Based on the Interconnectedness of Action, History and Time. The conclusions of the present research shows the complete absence of planning to the Shiraz city and it is reduced to map. Moreover the domination of technocrats rather than civil society, reduce social interaction and meditation, lack of tax structure, rental of detailed plan coding, inability to use equitable distribution services and class gaps are from fundamental characteristics of shiraz. Ultimately, the consolidation of map planning in SHIRAZ is the consolidation of poverty traps. According to, UP to 2017 more than 45 percent of 477916 Households in Shiraz, lived in Tenant Houses. Those that were hit by inflation of 100 percent Increase in housing prices in 2019 and their hopes of becoming a homeowner were lost.

Key words: Detailed plan and rent, Tenant and Crime, poverty.

Extended Abstract

Introduction:

The Essence of This Cosmos, Which Human And His Thoughts Belong To It, Has Features That Can Be Described In Three Notions: Energy, Space and Time. 'There is no way in which we can understand what is happening to the world, to our societies, to our environments, to the seas, to the air around the entire planet, and so on, if we do not look at three related factors: the unprecedented concentration of humans in cities, the growth of the human population, and the increase in certain forms of consumption' (Mendieta, 2001; 10). Therefore, in This Study, Space is Not Understood as a Neutral and Unaltered Container, Rather It Is Considered as an Informative Content for Human

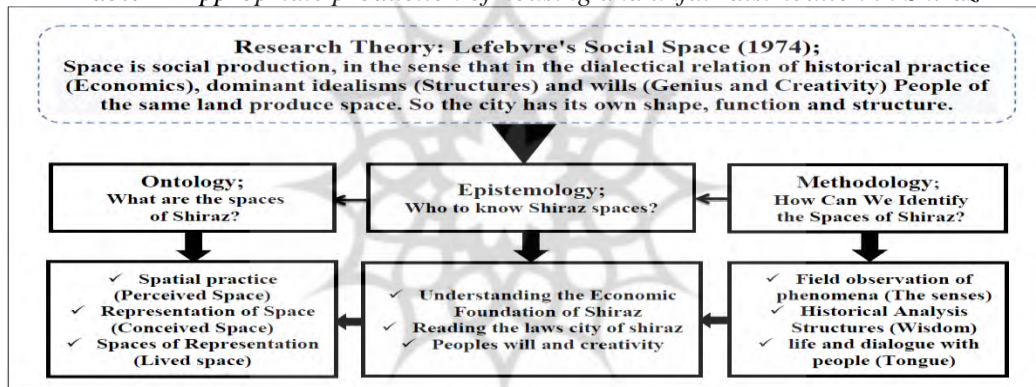
¹ - Corresponding Author's , Email: m.ahmadi@gmail.com, Tel: +989306339360

Beings. In Other Words, Time In A Space-Bound Framework Is Fixed, And Understanding The Existence of A Social Space Requires A Historical Awareness And Knowing The Man. According To Heidegger, It Must Be Accepted That The Subject Is Not The Initiator of His Thinking; Thinking And Theorizing Is Not Possible in a Vacuum, But Always Within a Historical Tradition Based on Previous Assumptions Lie in This Tradition. The Purpose of This Study is To Decode the Mechanisms affecting The Production of Classy and Disordered Urban Form, The Subjective Function of Consumerism and The Rupture in The Structure of Social Interaction in Shiraz. Flows that are Not Easily Understood and Require Careful Thought - Based Scrutiny. The experience of space is not separate from the text, but implies the theoretical realm and indeed the relation between the quality of idealism and the quality of life.

Methodology

Every kind of absolute, abstract, math, social, and so on definition of space follows its own methodology. According to the social production of space, the type of research is qualitative and based on the triple dialectic; Perceived Space (Shiraz's economy and market), Conceived space (The laws and structures governing the city), and living space (Shiraz people's will and creativity). In fact, Understanding the space of Shiraz depends on the presence of the phenomenologist (quintuple's senses), the study of the history of thought, including works by thinkers such as Hafez, Hegel, Marx, Schopenhauer, Lefebvre's, Harvey ..., as well as dialogues with the Elites and residents of Shiraz. The method of analyzing the data and documents examined in this study is "Critical Discourse".

Table 1- Appropriate production of housing and unfair distribution in Shiraz



Results and Discussion:

History Does Not Give The Objectivity To The Old Rational Entity in The Man; Rather Provide It In A Coherent Set of Institutions, Groups And Limited Systems of "Law, Family, Morality, City, Trade, Etc." Theoretical approach of this study is based on Henri Lefebvre (1901-1991) theories. Lefebvre argues (1970), Industrial society is seen not as an end in itself but as a preparatory stage for urbanism. Industrialization, he argues, can only find its fulfillment in urbanization, and urbanization is now coming to dominate industrial production and organization. Industrialization, once the producer of urbanism, is now being produced by it. Lefebvre argues (1974), that social space is a social product and also it is political issue. He introduced an epistemological system for the urban which emphasizes Dialectic of space, structural and semiotic analysis along with a critique of urban planning system. To analyze the social space, Lefebvre considers three moments perceived, conceived and lived- and claims that there is a dialectical relation-in Hegelian term- among them; that is, each one try to negate another.

Conclusion:

This Research Ontology at Examining the Existence of a Social Space Based on the Interconnectedness of Action, History and Time. The conclusions of the present research shows the complete absence of planning to the Shiraz city and it is reduced to map. Moreover the domination of technocrats rather than civil society, reduce social interaction and meditation, lack of tax structure,

rental of detailed plan coding, inability to use equitable distribution services and class gaps are from fundamental characteristics of shiraz. Ultimately, the consolidation of map planning in SHIRAZ is the consolidation of poverty traps. According to Table 1, UP to 2017 more than 45 percent of 477916 Households in Shiraz, lived in Tenant Houses. Those that were hit by inflation of 100 percent Increase in housing prices in 2019 and their hopes of becoming a homeowner were lost.

Table 1- Appropriate production of housing and unfair distribution in Shiraz

Residential Units in Shiraz City	Home Ownership	Number	percent	Households of Shiraz City
472356	Owner	211161	%44.7	477916
	Tenant	213651	%45.2	
	others	47544	%10.1	

Source; Statistical Center of Iran, (2017)

Finally in the competition between representation spaces and representations of space, what is left is spatial practices that has continuity as reproducer of government survival. Nevertheless, *The Everyday Life Is the Realm of Producing Meanings; a Realm in Which The Individual and Collective Capabilities are Built. By Reaching Such as Cognition, Individuals Become Aware of Their own Issues and Their Community to Make Changes in Their Individual and Collective Lives. Indeed, Representational Spaces, In Contradiction With Unified Laws And Induced Coherence, Reminding The Conceptual and Symbolic Elements, Place Of Enthusiasm, Actions, And Beings, Immediately Refer to Time. in Such a Situation, in Contrast To the Materialist Approach and The Abstract views Based on The Capitalist System, Concrete Explanation Can Be Found in the Context of The Social Space. In article of "the rights to the city, Harvey examines (2003); the creation of a new urban commons, a public sphere of active democratic participation, requires that we roll back that huge wave of privatization that has been the mantra of a destructive neoliberalism. We must imagine a more inclusive, even if continuously fractious, city based not only upon a different ordering of rights but upon different political-economic practices. If our urban world has been imagined and made then it can be re-imagined and re-made. The inalienable right to the city is worth fighting for. 'City air makes one free' it used to be said. The air is a bit polluted now. But it can always be cleaned up.*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

